کتاب هفته

از کشورهای خاورمیانه چه می‌دانیم؟

این روزها مجموعه جستارهای غیاث المدهون، شاعر و نویسنده جهان عرب با ترجمه سارا رحمتی و از سوی نشر مرکز روانه بازار کتاب شده است. مترجم این کتاب در گفت‌وگو با ایبنا نکات جالبی را بیان کرده که نشان از ناآشنایی ما با کشورهای همسایه مان دارد. او می‌گوید: من به سوی ترجمه این کتاب رفتم چراکه احساس می‌کردم آشنایی کاملی نسبت به جهان اطراف‌مان نداریم؛ اطلاعات درباره آدم‌هایی که کنار ما زندگی می‌فکنند و ما در اخبار اسم آنها را می‌شنویم و در متن‌ها با آنها مواجه می‌شویم و حتی در جاهایی دغدغه آنها دغدغه ما می‌شود.

او ادامه می‌دهد: واقعیت این است که اطلاعات ما اندك است و زیاد درباره آن که آنها چطور به زندگی می‌پردازند، چیزی نمی‌دانیم. در واقع ما می‌دانیم یك سری سوری و فلسطینی وجود دارند که در شرایط سختی هستند، اما نمی‌دانیم چه جهان‌بینی دارند و چطور به زندگی نگاه می‌کنند. من می‌خواستم این دنیا را به مخاطب انتقال بدهم تا داشته‌هایمان از این افراد فقط تعداد کشته‌شدگان‌شان نباشد.

به گفته رحمتی، یکی از موضوعات مهم نویسنده در این کتاب مهاجرت بوده است. او در این باره توضیح می‌دهد: مهاجرت یکی از محورهای اصلی نوشته‌های غیاث المدهون است و اصلی که او از آن شروع به نوشتن کرده، همین مهاجرت است. وقتی به زندگی او نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم مهاجرت است که به زندگی او سر و شکل می‌دهد. او مانند آدمی است که از هر جایی یك تکه را جذب می‌کند و با نگاه خود به آن می‌پردازد و شاید به همین دلیل است که حس ملی‌گرایی را در آثار او کم می‌بینیم. در متن می‌خوانیم که او می‌گوید اتفاقاتی افتاد که مزه شیر مادرش را فراموش کرده است و تجربیات جدید می‌کند و به هیچ جا تعلق ندارد.

رحمتی در توضیح زاویه دید غیاث به موضوع مهاجرت می‌گوید: او از کشوری رفته و قرار است در جایی زندگی کند که مفهوم درد با آنچه او می‌داند، متفاوت است. غیاث دغدغه‌هایش با فردی مثل محمود درویش متفاوت بود و از این رو دائم دست به مقایسه می‌زند. این نگاه و اندیشه در دیگر شاعران فلسطینی که ما آنها را می‌شناسیم نیز وجود دارد؛ اما نه به این غلظت. خودش می‌گوید دائم به من می‌گویند چرا تو این همه از جنگ می‌نویسی و من به آنها می‌گویم که دنیا به من اجازه داده تا از این پنجره به آن نگاه کنم.

غیاث المدهون، شاعر فلسطینی‌تبار سوری است که سال ۱۹۷۹ در دمشق متولد شده است. او از سال ۲۰۰۸ در شهر استکهلم زندگی می‌کند و تا به‌حال چهار مجموعه شعر منتشر کرده است. در ادامه گفت‌وگویی را با مترجم این کتاب انجام داده‌ایم که می‌خوانید. کتاب «آدرنالین» اثر غیاث المدهون با ترجمه سارا رحمتی در ۱۳۰ صفحه، شمارگان ۱۰۰۰ نسخه و به‌بهای ۲۴ هزار و ۵۰۰ تومان از سوی انتشارات مرکز راهی بازار نشر شده است.

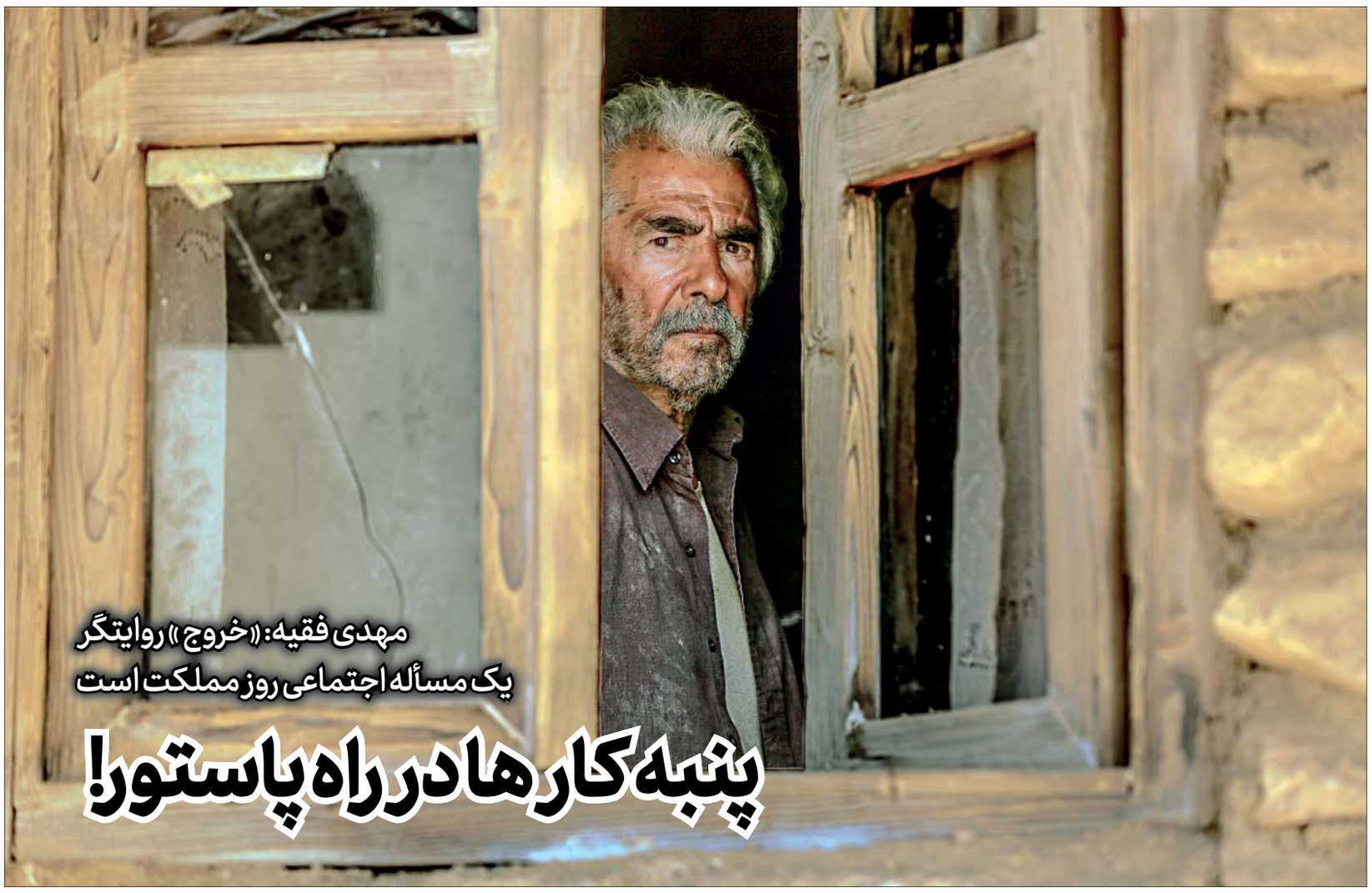

فرامرز قریبیان در نمایی از خروج ساخته ابراهیم حاتمی کیا که اولین تصویر رسمی منتشر شده از فیلم است

مهدی فقیه: «خروج» روایتگر یک مسأله اجتماعی روز مملکت است

پنبه کارها در راه پاستور!

علی رستگار
سینما

روز گذشته عکسی از فرامرز قریبیان در فیلم «خروج» ابراهیم حاتمی کیا منتشر شد که برخی رسانه‌ها عنوان کردند این اولین تصویر از این فیلم است که رونمایی می‌شود. درحالی که این عکس درواقع اولین تصویر رسمی خروج است و پیشتر دو تصویر از فرامرز قریبیان و آتش تقی‌پور به طور غیررسمی منتشر شده بود. فارغ از این که تصویر اخیر فرامرز قریبیان، چندمین عکس خروج است، این تازه‌ترین فیلم ابراهیم حاتمی کیا این روزها مراحل پایانی فنی خود را سپری می‌کند و نخستین نمایش رسمی آن در سی و هشتمین جشنواره فیلم فجر خواهد بود.

قصه بیستمین فیلم سینمایی ابراهیم حاتمی کیا درباره گروهی پنبه‌کار شهرستانی است که محصولشان بر اثر بارش شدید باران آسیب دیده و وعده‌هایی که به آنها داده شده هم عملی نشده است، برای همین این پنبه‌کاران معترض راهی هیات دولت در نهاد ریاست جمهوری تهران می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۱

در پنجمین دوره از جایزه فیروزه، آثار برتر در فرهنگستان هنر به نمایش گذاشته شد

کالاهای فرهنگی زیر چتر «فیروزه»

زینب مرتضایی فرد
ادبیات و هنر

نامش فیروزه است، در فرهنگ ما بسیار آشناست هم به عنوان سنگ زیبایی که از دل کوه‌های نیشابور بیرون می‌آید و هم به واسطه رنگ زیبای فیروزه‌ای که از گذشته تا امروز در زندگی ایرانیان و جغرافیای کشورمان زیبایی خاصی داشته است. فیروزه پنج سال است در کنار کارکردهای دیگرش نام یك جایزه هم شده است؛ جایزه‌ای که برای حمایت از کالاهای فرهنگی در کشورمان شکل گرفته و تلاش می‌کند چرخه فرهنگی و اقتصادی فعالی را برای دسته از کالاها فراهم کند.

روز گذشته در فرهنگستان هنر نشست خبری برگزار شد تا محسن جوادی، معاون فرهنگی وزارت ارشاد و علی فریدونی، دبیر جشنواره جایزه فیروزه و مدیر کل دفتر مجامع، تشکل‌ها و فعالیت‌های فرهنگی وزارت ارشاد درباره این دوره از فیروزه توضیحاتی ارائه کنند.

نیاز به گفتمان‌سازی

معاونت فرهنگی در گذشته بیشتر درگیر مسائل مربوط به کتاب بود اما حالا پنج سال است که دایره فعالیت‌های خود را به تبع نیازهای زمانه تغییر داده است. این نکته را فریدونی بیان کرده و در ادامه توضیح می‌دهد: ما درصدد گفتمان‌سازی و ترویج مصرف کالاهای فرهنگی هستیم و قصد داریم با عام و فراگیر کردن مصرف کالاهای فرهنگی چرخه تولید و مصرف فراگیر را در کنار آن به موازات هم پیش ببریم.

او عنوان می‌کند: بر همین اساس هم به مروز جشنواره را گسترش دادیم تا رسیدیم به این دوره که شاهد حضور پررنگ فعالان تولید اسباب‌بازی، عروسك، هدایای فرهنگی، نوشت‌افزار و شرکت‌های نوپای فعال این حوزه در کنار هم هستیم.

تلاش برای ایجاد بازارهای منطقه‌ای

در ادامه نشست جوادی هم در سخنانی کوتاه به اهمیت فرهنگسازی و همچنین ایجاد بسترهای فرهنگی مناسب برای کالاهای فرهنگی در کشور پرداخته و می‌گوید: جایزه فیروزه برای حمایت، تشویق و تجلیل از فعالان حوزه فرهنگی است و جهت‌دهی به تولیدات کالاهای فرهنگی خواهد بود تا در مسیر درست تولید قرار بگیرند.

او ادامه می‌دهد: باید چرخه‌ای از شبکه‌هایی برای تولید و پژوهش‌های کالاهای فرهنگی صورت بگیرد. امیدواریم در جشنواره فیروزه به شبکه علمی کارآمد برای تولید، ایجاد بازار بین‌المللی و مصرف برسیم و راهی که آغاز کردیم را ادامه دهیم.

معاون فرهنگی وزارت ارشاد می‌گوید: امیدوارم در دوره جدید با توجه به اقوام، راهی برای دیده شدن استان‌ها در دوره‌های بعد باز کرده و برای کالاهای فرهنگی بازارهای منطقه‌ای ایجاد کنیم.

جوادی تصریح می‌کند: کالای فرهنگی سهم بزرگی در اقتصاد کشور دارد که ما در سطح جهان شاهد این موقعیت هستیم اما در کشور ما مهجور مانده است در نتیجه می‌توانیم با پرداختن به کالاهای فرهنگی، اقتصاد فرهنگ را به مرحله رونق برسانیم.

در پایان نشست هم نمایشگاه آثار برتر جایزه فیروزه با حضور جوادی، فریدونی و اهالی رسانه افتتاح شد.

تلاش برای مدرن سازی کالاهای فرهنگی

کالاهای فرهنگی هم مانند هر پدیده دیگری نیاز دارند مدرن و به روز باشند تا مخاطبان را به سمت خود جلب کنند. فریدونی تلاش برای مدرن شدن کالاهای فرهنگی ایرانی. اسلامی را موضوعی مهم و مورد توجه دانسته و می‌گوید: باید سعی کنیم کالاهای سنتی را مدرن‌سازی کنیم تا این محصولات به تولید انبوه برسند. زیرا یکی از دلایل در محاق ماندن صنایع خلاق فرهنگی، سنتی‌ماندن آن است و همچنان مدرن‌سازی و صنعتی‌سازی نشده‌اند.

دبیر جشنواره فیروزه می‌افزاید: ما همه تلاش خود را به کار گرفته ایم تا در کنار مدرن شدن کالاهای فرهنگی به موضوعات مهم دیگر این حوزه هم بپردازیم. نیاز به شبکه‌سازی در حوزه فرهنگی و کالاهای فرهنگی از جمله نیازهای مهم ماست، تشکل و صنف شبکه‌مندی می‌تواند این حوزه‌های صنایع فرهنگی را به صورت زنجیره‌ای به هم متصل کرده و باعث خواهد شد این حوزه‌ها تقویت شود.

او درباره تعداد آثار شرکت کننده در این دوره از جایزه فیروزه یادآور می‌شود: ۴۰۰ اسباب‌بازی، ۲۰۰ عروسك، ۴۰۰ نوشت‌افزار، یکهزار هدایای فرهنگی و ۸۰ شرکت نوپا به دبیرخانه جایزه فیروزه رسیده است که در هر بخش آثار بررسی شده‌اند و در اختتامیه داوران از میان این آثار، سه اثر برگزیده را انتخاب می‌کنند.

در پنجمین دوره از جایزه فیروزه شاهد حضور آثار هنرمندان سه استان هم هستیم تا کالاهای بومی استان‌های کشور هم فضایی برای معرفی و فعالیت داشته باشند. اگر به نمایشگاه این دوره بروید می‌توانید آثاری از خوزستان، گلستان و سیستان و بلوچستان را هم ببینید که به گفته فریدونی با هدف تمرکززدایی در عرصه کالاهای فرهنگی به فیروزه آمده‌اند.

پشت صحنه

هوا سرد است

چه بگویم که حرف زدنم نمی‌آید. دوستی می‌گفت که سرعت بدخبری در این روزها از سرعت نور جلوتر افتاده است. با این حال اما تلاش ما بر این است که تسلیم غم نشویم و به روزهای روشن فکر کنیم که حتما می‌آید.

محمدصادق علیزاده، دبیر سرویس فرهنگی نیست. آن هم برای چند روز! به کسی نگفته که کجا رفته. فقط گفته نمی‌آید و ما برایش آرزو می‌کنیم در هر جا که هست آسمان، زمین، دریا، کویر و... به سلامت پشت میزش برگردد.

زینب مرتضایی فرد غمگین است که البته طبیعی است. مثل تمام روزهایی که علیزاده نیست سرش شلوغ است و همزمان باید جواب ده نفر را بدهد و همه را توجیه کند. با تمام اینها صبح به نشست خبری جایزه فیروزه رفته و قرار است در همین صفحه گزارشی از این نشست که درباره جهت دهی به کالاهای فرهنگی است، ارائه کند.

در صفحه ۱۰ صابر محمدی به قدری در خودش فرو رفته که بنده به عنوان همکار کناردستی‌اش نگرانش شدم و به او پیشنهاد دادم چند روزی را مرخصی بگیرد و برود سفر، اما او رد کرد و دوباره مشغول تایپ کردن شد. او به قدری بی حوصله است که حتی سر به سر مرتضایی فرد هم نمی‌گذارد و مرتضایی فرد هر چه تلاش می‌کند او را از لاك خودش بیرون بیاورد نمی‌شود که نمی‌شود.

به هر حال این طور که از حرف‌های محمدی و آذر مهاجر برمی‌آید گزارش امروز این صفحه به بهانه صحبت‌های محمدرضا بایرامی، نویسنده است که در ابتدا گفته دیگر نمی‌نویسد و بعد گفته که می‌نویسد اما چاپ نمی‌کند! این که اقداماتی از این دست چه پیشینه فرهنگی دارد و باقی ماجراها.

در صفحه ۱۱ بنده ساناز قنبری با این که کلی کار در خارج از روزنامه داشتم، اما به خاطر این که علی رستگار دست تنها نماند سرکار آمدم. رستگار البته فرز و دقیق است و اگر نمی‌آمدم هم خودش تمام صفحه سینما را جمع و جور می‌کرد.

با این حال اما خوب شد که آمدم. کلی اخبار تازه از بچه‌ها شنیدم و دیدم که نه مثل این که واقعا زندگی جریان دارد! حدودای ظهر بود که تصویری از فرامرز قریبیان به عنوان اولین تصویر رسمی از فیلم «خروج» به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا منتشر شد. همین عکس را رستگار کرد بهانه‌ای برای گزارشی درباره چند و چون این فیلم که قرار است در جشنواره فجر امسال رونمایی شود.

در صفحه ۱۲ محمدرضا کائینی گفت و گویی انجام داده با همسر مرحوم سیدمجتبی نواب صفوی که پیشنهاد می‌کنم بخوانید.